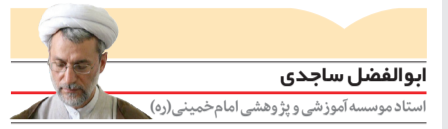


## نقد سخنان کرونایی آیت الله سید کمال حیدری

## کرونا و چالشش با کدام دین؟



ابوالفضل ساجدی

استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

اخیرا کلیپی از آیت الله سید کمال حیدری در فضای مجازی منتشر شده و در کانال ها و سایت های آنتیست و ضد اسلام به طور گسترده پوشش داده شد و مورد استقبال قرار گرفت. در این کلیپ تحت عنوان «چالش های پیش روی دین در مواجهه با کرونا» مطالبی طرح شده که به بیان و نقد اجمالی مواردی از آن می پردازیم.

۱. در کلیپ آمده است که کرونا غرور قرائت سنتی از دین را فروریخته، زیرا دعا و توسل به خدا و ائمه (ع) نتوانسته است مشکل را حل کند.

در پاسخ می توان گفت اولاً به چه دلیل ادعا شده که در خصوص بیماری کرونا در سطح کشور هیچ کس هیچ نتیجه ای از توسل و دعا نگرفته است؟ اگرچه در سطح کلی مشکل حل نشده است اما آیا در سطح افراد هم هیچ نتیجه ای حاصل نشده است؟ آیا ایشان در این مورد استقراء کامل کرده است؟ آیا ایشان نقش دعا را در پیشگیری یا درمان به طور کلی منکرند یا در خصوص بیماری کرونا نقش آن را انکار می کنند؟ کافی است به پرونده شفایافتگان حرم رضوی یا آستان کریمه اهل بیت (ع) یا جمکران و سایر مشاهد مشرفه مراجعه شود و فهرست شفایافتگان مورد ملاحظه قرار گیرد. شواهد و مستندات کافی برای شفای بیماران در آنجا موجود است. ثانیاً: اگر بگویند چرا در سطح کلی کشور، این مشکل توسط دعا و توسل حل نشده است؟ باید پرسید چه کسی گفته است که دعا و توسل حتماً همیشه مستجاب می شود؟ همان امامانی که دستور به دعا داده اند، فرموده اند که همیشه دعا قرین به اجابت نیست و اساساً فلسفه دعا، تضرع به درگاه ربوبی برای کمال معنوی است - که از ابتلائات و آزمایش ها هم فارغ و برکنار نیست- نه ضرورتاً استجاب فوری و عینی دعا.

۲. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود می گویند: «شما می خواهید آنها [غیرمسلمانان] را دعوت کنید به اسلام و از اسلام به مکتب تشیع... او [یعنی آن فرد غیرمسلمان] می خواهد از شما تبعیت کند. می گوید من در چه چیزی [مثلاً برای حل مشکل کرونا] از شما تبعیت کنم که امتیازی به من بدهد که من الان ندارم؟ این سوال جدی است برای حوزه های علمیه یا نه؟» به عبارات دیگر شما این مشکل را با دعا حل می کنید یا با علم؟ و چون شما نتوانسته اید مشکل را با هیچ یک از این دو راه، حل کنید امتیاز جدیدی که من ندارم به من داده اید پس وجهی ندارد که من دین شما را بپذیرم.

پاسخ:

(الف) در سخن فوق فرض شده است که ملاک حقانیت و ترجیح یک دین بر دیگری حل مشکلات مادی مانند مقابله با ویروس کروناست و لذا اگر اسلام یا هر دین دیگری نتواند این مشکل را حل کند، وجهی برای پذیرش آن یا ترجیح آن بر سایر ادیان وجود ندارد. اما دلیل ضرورت رجوع به دین، حل مشکلات مادی مانند درمان بیماری ها و کشف واکسن برای ویروس ها نیست. ملاک حقانیت دین حل مشکلات مادی نیست. هیچ پیامبری دلیل دعوت خود را ریشه کن کردن همه شرور دنیوی ذکر نکرده است، بلکه خداوند جهان را مقرون به سختی آفریده است. خداوند در سوره بلد می فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی کبد» به تحقیق که ما انسان را در سختی آفریدیم. قرآن در سوره بقره آیه ۱۵۵ نیز به شرور به عنوان امتحانات الهی که نزدیک کمال است، اشاره می کند. «وَلْيَلْبِغُنَّكُم بَشِيءٌ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵) قطعاً

همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زبان مالی و جانی و کمبود میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان!

ب) اگر ملاک حقانیت دین، مستجاب شدن دعاها برای رفع شرور و سختی ها و آسایش مادی و حل مشکلات مادی از طرق غیبی باشد لازمه آن فقدان هرگونه سختی دنیوی برای مسلمانان است، چون باید نتوانند هرگونه سختی را با دعا حل کنند و نیازی به تلاش

## آقای حیدری از کلام علامه طباطبایی

نتیجه می گیرند که دعا نمی تواند در تحقق حوادث عالم نقش سببیت داشته باشد بلکه امور مادی عالم فقط از طریق اسباب مادی خود محقق می شود، لذا برای حل مشکلات مادی باید بروید سراغ پیشرفت های مادی و تجارب بشری. اما منظور علامه طباطبایی این است که دعا نظام علت و معلولی و سببیت و مسببیت را ابطال نمی کند بلکه خود دعا هم می تواند از جمله اسباب و علل در تحقق امور جهان در عرض سایر علل باشد. ای کاش آقای حیدری دنباله عبارت علامه را هم می خوانند

دیگری نداشته باشند. در نتیجه باید نمود باله پیامبران و معصومین (ع) به ویژه امام حسین (ع) را ملامت کنیم، چون سختی های فراوانی را متحمل شدند و در انتخاب دین خود این ملاک را در نظر نگرفتند.

ج) لازمه استدلال جناب سید کمال حیدری این است که اگر کسی مشکل مادی نداشت نیازی به پذیرش دین ندارد، چون دین برای حل مشکلات مادی است و او چنین مشکلی ندارد. لازمه این دیدگاه نگاهی مادی و تک ساحتی به انسان و جهان است که با اصل مبنای پذیرش دین در تضاد است.

د) اینکه ایشان این سخن [که ملاک حقانیت و ترجیح یک دین بر دیگری حل مشکلات مادی مانند مقابله با ویروس کروناست] را به قرائت سنتی و مشهور از اسلام نسبت

می دهد، نسبت نادرستی به علمای اسلام است. کدام عالم یا مجموعه علمای دینی چنین ادعایی را مطرح کرده اند؟ (ه) ملاک ترجیح اسلام بر سایر ادیان نگاه جامع به انسان و هستی، منطبق با فطرت و عقل و ارائه نظام فکری منسجم و برخوردار از منبع معتبر وحیانی برای نیل انسان به سعادت است.

و دلیل ضرورت رجوع به وحی آسمانی برای رسیدن به سعادت مفصل است. وجه نیاز به منبع فراتر از عقل از مقدمات زیر روشن می شود:

اول) انسان موجودی پیچیده و کمال پذیر است. دوم) نیل به کمال، نیازمند شناخت جامع نسبت به ابعاد جسمانی و روحانی انسان و جهان دنیا و آخرت و کیفیت رابطه و تاثیر و تأثیر میان جهان درون و بیرون انسان است.

سوم) عقل و تجربه برای شناخت و هدایت، توانایی کافی در این مسیر را ندارند. نتیجه اینکه پس ما نیازمند ابزار دیگری هستیم تا کمال لازم را کسب کنیم.

از طرفی فراهم نساختن مقدمات شناختی لازم برای نیل به کمال، با حکمت الهی ناسازگار است، یعنی خدای حکیم، انسانی با این ظرفیت را بدون منبع شناختی لازم رها نمی سازد. بدین جهت ارسال وحی الهی ضروری است و خدای حکیم آن را نازل کرده است.

بر اساس مقدمات فوق، رجوع به وحی ضرورت منطقی، (از نوع ضرورت بالقیاس) دارد، یعنی اگر کسب کمالات، مطلوب انسان است و ابزارهای شناختی برای وصول به

این مقصد، کافی نیست؛ رجوع به وحی، برای شناخت راهکارهای کمال و سپس کاربرد آنها، در زندگی ضرورت منطقی پیدا می کند. پرسش: اگر کسی ضرورت شناخت راه کمال از طریق وحی را نفی کرد و مدعی شد که دوست دارم فقط در پی لذات مادی باشم و همین را کمال می دانم، چه پاسخی می توان داد؟

پاسخ: همه انسان ها خود را دوست دارند و در نتیجه کمال خود را نیز دوست دارند و لذا کمال جو هستند؛ اما ممکن است در شناخت مصداق آن راه خطا ببیمایند. نمی توان بدون ملاک، مصداق کمال حقیقی را برای آدمی تعیین کرد. چه بسا کودک یا نوجوانی بگوید: من کمال را در بازی کردن، تماشای فیلم، تفریح و ترک درس می دانم یا جوانی بگوید من کمال را در کسب پول و لذات مادی می دانم. آیا می توان این سخن را پذیرفت؟ آیا کمال او در همین امور است؟ خیر. چنین نیست زیرا برای تشخیص کمال باید حقیقت آدمی را شناخت. انسان شناسی جامع نشان می دهد که امتیاز آدمی و حقیقت ماندگار او روح است و بدن به منزله ابزاری در خدمت آن تلقی می شود. همان گونه که اندازه کتاب و کفش آدمی از امتیازات ویژه انسان و کمال حقیقی اش تلقی نمی شود، جسم و لذات مادی و زودگذر او نیز چنین است. کمال حقیقی انسان، کمال روحانی اوست که کمال برتر و ماندگار حتی پس از مرگ است.

به علاوه انسان موجودی تغییر پذیر و تربیت پذیر است. این تغییرات باید بر اساس یک الگوی برتر باشد. عقل اقتضا می کند که آن الگوی برتر خدا باشد، زیرا اوست که کمال مطلق است، لذا کمال حقیقی انسان، تقرب وجودی به خداوند است، به همین دلیل پروردگار عالم وحی خود را فرو فرستاده است تا مکمل مقل انسان برای شناخت راه کمال باشد.

## تفسیر غلط از سخنان علامه طباطبایی

آیت الله حیدری پس از مواجه شدن با نقد ها و اعتراض ها، با انتشار یک بیانیه یک صفحه ای و نیز ارائه یک سخنرانی ۶۲ دقیقه ای در مقام پاسخ برآمدند و مدعی شدند که هدفشان در آن کلیپ فقط طرح سوالاتی بوده است نه اینکه قصد دیگری داشته باشند. ایشان ضمن این سخنرانی، قرائت خود از دعا و توسل به معصومین خاصه امام زمان (عج) را نیز بیان کردند. در رابطه با این سخنرانی نکاتی را عرض می کنیم:

۱. در کلیپ قبلی ایشان گفته بودند بینی و بین الله از دیگر برکات این ویروس کرونا این است که شاخ غرور قرائت رسمی از دین را شکسته است، چون این قرائت رسمی معتقد است که دعا و توسل همه مشکلات را حل می کند و ما دیدیم که در مورد ویروس کرونا دعا مشکل را حل نکرد.

جا دارد از ایشان بپرسیم آیا این سخن شما طرح سوال است یا بیان دیدگاه؟ چرا چیزی را که به صراحت بیان می کنید و به قرائت رسمی دین نسبت می دهید، طرح

سوال می نماید؟ (پاسخ این ادعای نسبت داده شده به قرائت رسمی از دین، در همین متن داده شد.)

۲. ایشان در مقام بیان دیدگاه خود می گویند نباید دعا جایگزین اسباب طبیعی شود. وی معتقد است که امور عالم تحت قدرت الهی است اما خدا چنین مقدر کرده که امور طبیعی فقط از طریق اسباب مادی محقق شود. وی در تأیید سخنان خود عبارت علامه طباطبایی در المیزان (ترجمه فارسی) (ج ۲، ص ۵۰) را چنین نقل می کند: «آنچه این دو حدیث افاده می کنند این است که دعا باید خالص باشد، نه اینکه سببیت اسباب وجودی عالم را که آنها را میان هر موجودی و حوائش واسطه قرار داده ابطال کنند. آقای حیدری به دنبال این عبارت، به عنوان نتیجه گیری از کلام علامه طباطبایی اضافه می کنند: که [پس]

این طور نیست که دعا یا توسل جایگزین اسباب طبیعی باشد. این طور نیست که امام زمان، جایگزین این اسباب باشد بلکه «جعل لکل شی سبباً» شما بروید به آن سمت. سمت علم، سمت تجربه انسانی، سمت پیشرفت، نه اینکه بیابورید [و بگویید] هرجا گیر کردیم آن را با دعا یا توسل حل کنیم. آقای حیدری از کلام علامه طباطبایی نتیجه می گیرند که دعا نمی تواند در تحقق حوادث عالم نقش سببیت داشته باشد بلکه امور مادی عالم فقط از طریق اسباب مادی خود محقق می شود، لذا برای حل مشکلات مادی باید بروید سراغ پیشرفت های مادی و تجارب بشری. ایشان معتقد است که هرگز دعا نمی تواند در عرض سایر علل موثر در جهان، نقشی داشته باشد، یعنی نمی تواند به عنوان یک جزء اثرگذار (به اصطلاح جزء العله) در کنار سایر علل مادی تلقی شود.

در جواب می توان گفت گرچه ما باید توجه کامل به اسباب و علل مادی در این جهان داشته باشیم و آنها را به کار گیریم اما نباید غافل باشیم که از جمله علل موثر در تحقق امور جزئی این عالم، در عرض (یا به موازات) سایر علل، دعا و توسل است. اینها هم می توانند در جهان موثر باشند. منظور علامه طباطبایی هم از عبارت فوق نفی نقش علیت دعا و توسل به موازات سایر علل نیست، بلکه منظور وی این است که دعا نظام علت و معلولی و سببیت و مسببیت را ابطال نمی کند بلکه خود دعا هم می تواند از جمله اسباب و علل در تحقق امور جهان در عرض سایر علل باشد. آقای حیدری



فقط یک جمله علامه را بدون توجه به بقیه مطالبی که علامه به دنبال آن ذیل همین آیه ۱۸۶ سوره بقره بیان کرده، اخذ کرده است و دیدگاه خود را به علامه نسبت می دهد. ای کاش آقای حیدری دنباله عبارت علامه را هم می خواندند.

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۱۸۶ سوره بقره در جلد دوم تفسیر المیزان می فرماید: «دعا یکی از همان اسباب است... با دعا یکی از اسباب وجود شیء محقق می شود. در بخش دیگری (ج ۲، ص ۶۱-۶۲) نیز ذیل تفسیر همین آیه می فرماید: «علم به مقام خدای سبحان می گوید درست است که خدای تعالی چنین مقرر کرده که مثلاً در هنگام تحقق سیر و حرکت، نزدیکی به مقصد نیز محقق شود و در هنگام وجود آتش حرارت نیز پیدا شود، ولی چنین هم نیست که تنها وقتی آتش بود حرارت هم باشد یا وقتی آتش بود حرارت و سوزاندن هم حتمی باشد و خلاصه خدای تعالی با به کار انداختن نظام اسباب و مسببات قدرتش محدود نشده بلکه همچنان قدرتش مطلقه است، می تواند واسطه ها را از وساطت بپندارد و اثر را بدون فلان واسطه ایجاد کند، همچنان که در مورد معجزات می بینیم آتش هست اما نمی سوزاند یا خوردن نیست ولی سیری و سیرابی هست و همین توهم باعث شده که خیال کنیم تخلف مسببات از اسباب عادی محال است، هرجا جسم هست سنگینی و سقوط نیز هست، هرجا حرکت هست نزدیکی به مقصد نیز هست، هرجا خوردن و نوشیدن هست سیری و سیرابی هم هست و مانند اینها در حالی که در بحث اعجاز گفتیم درست است که ناموس علیت و معلولیت و به عبارتی دیگر وساطت اسباب

میان خدای سبحان و میان مسببات حق است و گریزی از آن نبوده و اما این ناموس باعث نمی شود که ما حدوث حوادث را منحصر در صورتی بدانیم که اسبابش مهیا باشد، بلکه بحث عقلی و نظری و همچنین کتاب و سنت در عین اینکه اصل واسطگی اسباب را اثبات می کند، انحصار آنها را انکار می نماید... حال که این معنا روشن شد، می گوئیم: علم و ایمان به خدا ما را آادار می کند تا معتقد شویم به اینکه آنچه محال ذاتی نیست و عادت آن را محال نمی داند دعا در مورد آن مستجاب است که قسمت عمده از معجزات انبیا هم مربوط به همین استجابات دعاست.

## اولاً به چه دلیل ادعا شده که در خصوص بیماری کرونا در سطح کشور هیچ کس هیچ نتیجه ای از توسل و دعا نگرفته است؟ اگر چه در سطح کلی مشکل حل نشده است اما آیا در سطح افراد هم هیچ نتیجه ای حاصل نشده است؟ آیا ایشان در این مورد استقراء کامل کرده است؟ ثانیاً چه کسی گفته است که دعا و توسل حتماً همیشه مستجاب می شود؟ همان امامانی که دستور به دعا داده اند، فرموده اند که همیشه دعا قرین به اجابت نیست